

**Examining the government's approach to jurisprudence
in the thought of Mohaghegh Karki**

Received: 2022/10/11

Accepted: 2022/12/07

Sayyed Sajjad Izdehi^{*}

MohammadSadegh Asim^{**}

(162-186)

Fiqh of governance is a specific type of jurisprudential inference in which the jurist refers to religious sources while taking into account the element of governance and seeks to present a desirable plan for the management of society from the perspective of jurisprudence. This extension of jurisprudential inference in the field of social and political management can be found in the works of some jurists, including Muhaghegh-Kerkki. The present study aims to investigate the type of ijtehad of Muhaghegh-Kerkki from religious sources in the approach to governance. Muhaghegh-Kerkki, who came to Iran at the invitation and insistence of the Safavid government, addressed the political, economic, and cultural management in accordance with the requirements and conditions of the Safavid government. The inadequacy of Sufi principles (mureedi and moradi) for desirable governance provided a suitable ground for the emergence of the Fiqh of governance of Muhaghegh-Kerkki. Muhaghegh-Kerkki faced two major challenges: the non-Shiite identity of the society and the existence of Sufi currents in the Safavid government. The main question of this research is to investigate the approach of governance to jurisprudence in the thought of Muhaghegh-Kerkki. The findings of the research indicate that Muhaghegh-Kerkki, after identifying the society and strengthening the jurisprudential movement, presented a jurisprudential plan in the three areas of politics, economy, and culture. The results of this type of ijtehad led to the organization of political order and the regulation of governance with Sharia in the field of politics, the stabilization and promotion of the financial system in the economic field, and the revival of cultural promotion and prevention of vice and the establishment of Friday prayers in the cultural field. The research method in the present study is fundamentally goal-oriented, descriptive-analytical in nature, and uses qualitative information processing and library study data collection methods.

Keywords: Government jurisprudence, Mohaghegh Karki, Safavieh, Political thought, government approach

*. Professor of Politics Department, Research Institute of Islamic Systems, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran, sajjadzady@yahoo.com.

** . PhD student in Political Jurisprudence, Faculty of History, Civilization and Political Studies, Baqir Al-Uloom University (AS), Qom, Iran (corresponding author), asim111@chmail.ir.



واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

سیدسجاد ایزدهی، محمدصادق آسیم*

(۱۶۲-۱۸۶)

چکیده

فقه حکومتی نوع خاصی از استنباط فقهی است که فقیه با در نظر گرفتن عنصر حکومت به منابع دینی رجوع می‌کند و در صدد ارائه طرح مطلوب مدیریت جامعه از منظر فقه است. این امتداد استنباط فقهی در عرصه مدیریت اجتماعی و سیاسی در آثار برخی فقها از جمله محقق کرکی یافت می‌شود. پژوهش حاضر با هدف واکاوی نوع اجتهاد محقق کرکی از منابع دینی در رویکرد حکومتی بنا نهاده شده است. محقق کرکی در دولت صفویه با توجه به مقتضیات و شرایط دولت نوپدید صفوی به ارائه مدیریت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخت. عدم کفایت اصول صوفیانه (مریدی و مرادی) برای اداره مطلوب حکومت، زمینه مناسبی را برای ظهور فقه حکومتی محقق کرکی فراهم نمود. پرسش اصلی این تحقیق واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، محقق کرکی بعد از هویت بخشی به جامعه و تقویت جریان فقه‌های به ارائه برنامه فقهی در سه حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ پرداخت. نتایج این نوع اجتهاد سبب سامان بخشی به نظم سیاسی و تنظیم حاکمیت با شریعت در موضوع سیاست، تثبیت و ارتقای نظام مالی در عرصه اقتصاد و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز جمعه در عرصه فرهنگی شد. روش پژوهش در تحقیق حاضر از منظر هدف بنیادی، از منظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و از منظر پردازش اطلاعات کیفی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: فقه حکومتی، محقق کرکی، صفویه، اندیشه سیاسی، رویکرد حکومتی

*. استاد گروه سیاست، پژوهشگاه نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران،

sajjadizady@yahoo.com

** . دانشجوی دکتری فقه سیاسی، دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران

(نویسنده مسئول)، asim111@chmail.ir

مقدمه:

برای فهم نظریه یک اندیشمند شایسته است علاوه بر مبانی فکری، زمینه و زمانه وی را نیز به خوبی بازشناسی کرد. چه آنکه تلاش در دستیابی به نظریه فقهی یک فقیه، فارغ از فهم زمینه و زمانه‌هایی که آن اندیشه در آن رشد کرده، فهمی ناقص از ایشان را به ارمغان می‌آورد؛ زیرا فقها در راستای وصول به اندیشه مطلوب خود، شرایط زمانی و مکانی را در نظر گرفته‌اند. براین اساس، با وجود آن که فقها در استنباطات خویش، از مبانی و ادله مشترک بسیاری استفاده می‌کنند؛ اما چون همه فقیهان از مسئله واحدی برخوردار نیستند و ناظر به مسئله زمانه خویش استنباط می‌کنند؛ بنابراین در فهم دیدگاه یک فقیه باید مسئله اصلی وی در جریان زندگی و جامعه را دریافت و زیست عملی ایشان در عصر خویش را واکاوی نمود تا بتوان الگوی جامع و منسجمی را از نظریات ایشان مورد ارزیابی قرار داد، به‌عنوان مثال دوری جستن، انعزال سیاسی و عدم فعالیت در عرصه سیاسی بازتاب عدم مشروعیت حاکمان وقت و گرفتن منصب و فعالیت سیاسی در چارچوب فوق، نشانگر صحت این نوع تعاملات در نظر فقهاست. گاهی این تعاملات صرفاً به عمل ختم نمی‌شود و از برون‌مایه‌های فقهی برای حل مشکلات یک حکومت استفاده می‌شود؛ مثلاً موضوع خراج و موارد آن، نوع آن‌ها، نحوه دریافت و مصرف آن‌ها به‌عنوان یک اساسنامه حکومت مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمینه استفاده از فقه در عرصه حکومتی برای همه فقها صورت نگرفته است، همچنان که این مسئله مقید به دوران بعد از انقلاب اسلامی نیز نبوده است و فقها در بستر مناسب به استنطاق فقه در این عرصه می‌کوشیده‌اند. نوشته حاضر، فارغ از هرگونه اقدام سیاسی کرکی به دنبال فقه حکومتی کرکی است، بدین معنی که پردازش فقهی محقق کرکی در مواجهه با چالش‌های زمانه چیست؟ این پرسش در دو بعد مسائل و چالش‌های حکومت صفویه در اداره حکومت و نظریه محقق کرکی برای مدیریت فقهی حکومت در سه عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ بررسی می‌شود.

ضرورت و اهمیت این پژوهش در تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر فقه شیعه مشخص می‌شود، به طوری که شناخت صحیح از سابقه فقه سیاسی در عرصه حکمرانی با بررسی، تبیین و واکاوی نظری و عملی علمای اعصار مختلف خصوصاً علمایی که قرابت بیشتری با

مسائل حکمرانی فقه اسلامی داشته‌اند، آشکار می‌شود و می‌تواند زمینه مساعدی برای استفاده روشی و محتوای از ایشان باشد. محقق کرکی برای نخستین بار به صورت نظام‌مند بعد از طرح ولایت عامه فقیه قلمرو اختیارات فقیه را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش داد. اگرچه قبل از ایشان نیز فقها با ارائه نظریه ولایت فقیه نظام سیاسی اسلام را کامل می‌نمودند؛ ولی در عمل چاره‌ای به جز تقیه یا مشورت و همکاری‌های جزئی نداشتند. رهبر معظم انقلاب بعد از تأکید بر اقدام امام خمینی علیه السلام در به ظهور رساندن نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و جایگزینی آن با نظام سلطنتی، بیان می‌کند محقق کرکی به عنوان یکی از علمای برجسته دوره صفویه، نقش مهمی در جهت تبیین و ارائه این جریان داشته است. (بیانات در آغاز درس خارج فقه: ۳۱ / ۶ / ۱۳۷۰).

پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در چهار عنوان دنبال نمود. تاریخ سیاسی محقق کرکی اولین عنوانی است که دو اثر قابل رجوع دارد، رساله اول با عنوان «نقش علمای شیعه در حکومت صفویه» به جستجو در فعالیت‌های سیاسی علمای شیعه در تاریخ صفویه پرداخته است (صدقاتی، ۱۳۹۱). رساله دوم با عنوان «محقق کرکی و دولت صفوی» به واریسی تعاملات شاهان دوران صفوی با کرکی و مناسبات شاهان و قزلباشان ورود نموده است (مشکوریان، ۱۳۸۷). عنوان دوم اندیشه سیاسی محقق کرکی است که در بردارنده دو تألیف تحقیقی می‌باشد. کتاب «اندیشه سیاسی محقق کرکی» که عملکردهای سیاسی کرکی در دربار صفوی و اقدامات مؤثر ایشان در سیاست داخلی و خارجی و مواضع تأییدی-تکذیبی ایشان نسبت به شاهان صفویه را بررسی کرده (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰) و رساله «نظام سیاسی در اندیشه محقق کرکی» که به بررسی مسئله سیاست و عناصر قوام‌بخش آن در پندار کرکی مورد توجه قرار داده است (شکری، ۱۳۹۴). سومین عنوان شامل بررسی فلسفه سیاسی در آثار محقق کرکی است که رساله «مبانی مشروعیت سیاسی در اندیشه محقق ثانی» به تحقیق در مسئله مشروعیت و امتداد جهان‌بینی توحیدی در مبانی دینی به فلسفه سیاسی از منظر کرکی پرداخته است (عشائری، ۱۳۹۴). شخصیت‌شناسی محقق کرکی، چهارمین عنوانی است که می‌توان به آثاری همچون «شخصیت و آراء فقهی محقق کرکی» رجوع نمود که به وضعیت زندگی کرکی و تفاوت‌های روشی ایشان در فقه به صورت تطبیقی اشاره شده است (جعفری‌هرندی، ۱۳۶۸).

وجه تمایز این پژوهش با سایر آثار علمی، برخورداری از رویکرد حکومتی به فقه است که پیشینه‌ای برای آن یافت نشد. در این تلاش علمی به دنبال شکاف مواضع فقهی و برون‌مایه‌های استنباطی فقه حکومتی ایشان در توضیح و حل مسائل حکومتی تکیه شده است، همین امر سبب پژوهشی نوین در این عرصه می‌شود. فرضیه پژوهش حاضر به انگاره فقه حکومتی محقق کرکی استوار است. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. ساختار پژوهش در سه بخش چارچوب مفهومی تحقیق، چالش‌های حکومت صفوی و پردازش فقهی محقق کرکی در حل این چالش‌هاست که شامل استفاده از ظرفیت‌های فقهی در راستای اراده مطلوب جامعه و نوع نگاه ایشان به بحران‌های دولت صفویه و پاسخ‌های مناسب فقهی در سه عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ می‌باشد.

چارچوب مفهومی تحقیق

فقه در معروف‌ترین تعریفش به دانش احکام شرعی از منابع به‌صورت تفصیلی اطلاق می‌شود (حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷) که دارای دورویکرد سنتی و حکومتی می‌باشد. اضافه شدن واژه حکومتی به فقه به معنی در نظر گرفتن مسائل جامعه و حکومت در پرتو استنباط فقهی است؛ در مقابل، فقه سنتی بدون در نظر گرفتن مدیریت جامعه و عناصر قوام‌بخش آن صرفاً به منظور تعیین تکلیف فرد و نگاه فردگرایانه به منابع شرعی رجوع می‌شود و فقیه خود را در صدد حل بحران‌های اجتماعی و سیاسی جامعه نمی‌بیند؛ زیرا اساساً توجیه باورمندی نسبت به اداره نظام اسلامی ندارد. محققان و اندیشمندان تفاوت‌های معناداری را در نسبت رویکرد حکومتی و سنتی به فقه بیان کرده‌اند^۱ اما به نظر می‌رسد همه مؤلفه‌های ذکر شده قابلیت صدق بر نظریه فقهای پیشینی را نداشته باشد؛ لیکن این مسئله بدان معنی نیست که فقهای سابق فاقد فقه حکومتی بوده‌اند؛ زیرا رکن اساسی که این تفاوت

۱. رک: فقه فردی و فقه حکومتی بایسته‌ها و کاستیه، نجفعلی غلامی، منصور میراحمدی، مجله سیاست متعالیه، سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۳؛ تشابهات و تمایزات فقه فردی و حکومتی، حسین عندلیب، pure life, Volume 4,

را ایجاد می‌کند، دغدغه‌مندی در نسبت پاسخ به نیازهای حکومتی از منابع دینی است که فقیه در راستای استنباط خویش "حکومت" را به مثابه یکی از متغیرهای موضوع شناسانه احکام لحاظ می‌کند (ایزدهی، ۱۳۹۹) و لازمه این رویکرد فقهی در آمیختگی دین با سیاست، نقش محوری حکومت در سعادت، اجرای کامل فقه در پرتو حکومت و قدرت پاسخگویی دین به همه نیازهای حکومت می‌باشد. برخی اندیشمندان بر این باوراند فقه حکومتی زاینده انقلاب اسلامی است (مشکانی، ۱۳۹۲). معنای این مطلب اگر فقدان فقه حکومتی در دیگر اعصار باشد نوشته حاضر پاسخی تفصیلی در رویکرد محقق کرکی است و اگر به معنی فقدان پیچیدگی‌های رویکرد حکومتی به فقه در اعصار گذشته است، تطبیق ناصوابی است که در دیگر علوم نیز شاهد نخواهیم بود؛ البته انقلاب اسلامی عرصه‌های جدید و ظرفیت‌های نوینی را از فقه حکومتی پدیدار نمود و اولین خاستگاه حکمرانی اسلامی فقیه، به صورت مستقل و گسترده در طول دوران غیبت است. برخی متفکران اسلامی برای توجیه پیشینه رویکرد حکومتی به فقه، اقدام به تبیین مسائل سیاسی فقها در ابواب فقهی نموده‌اند (صلواتی، ۱۳۶۸ و قاسمی، ۱۳۸۳) این مسئله نیز ضرورتاً به فقه حکومتی منجر نخواهد شد؛ زیرا فقیه‌هایی که این مسئله را طرح و تبیین نموده، ممکن است در صدد حل مسئله حکومتی نباشد.

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این معنی از فقه حکومتی (استنباط فقهی باتوجه به رفع نیازها و مشکلات یک حکومت در راستای مدیریت جامعه) به بررسی رویکرد حکومتی محقق کرکی به فقه می‌پردازد. رهبر معظم انقلاب درباره رویکرد فقهی کرکی می‌فرماید: محقق ثانی فقه حکومتی دارد، ایشان در دستگاه حکومت بوده و در افکارش و آثارش هم پیداست. در عین حال که حاکم نبوده و برای حکام کار می‌کرد، شیخ اسلام حکام بوده و برای آن‌ها مسئله درست می‌کرد (بیانات رهبری ۱۳۷۴ / ۱۲ / ۷).

محقق کرکی و مسائل حکومت نو بنیاد صفوی:

محقق کرکی در مواجهه با حکومت صفوی با دو چالش اصلی روبرو بود که با بهره‌گیری از فقه اسلامی و پایبندی به تعریف فقه حکومتی (نگرشی که مقتضی نوع خاصی از استنباط است) در صدد حل این آشفتگی در دولت صفوی برآمدند.

۱. هویت‌یابی جامعه و حکومت شیعی

وفاق اجتماعی یک ملت از راه‌های گوناگونی همچون زبان، نژاد، سنن و شرایط اقلیمی و طبیعی ممکن است حاصل شود، ولی آنچه به صورت پایدار می‌تواند سبب هویت‌بخشی و همبستگی درونی یک جامعه شود عقیده است که در وجدان جمعی سبب شخصیت‌دهی به افراد جامعه بین خودشان و اسلافشان می‌شود و مناسبات آنان با سایر ملل را معیاربندی می‌کند. (مطهری، ۱۴۰۰، ص ۲۱). توجه به ریشه‌های باورمندی مردم ایران به مذهب تشیع در انسجام و استحکام وفاق اجتماعی تأثیر مطلوبی دارد، این ریشه‌ها در عوامل مختلفی از جمله حقانیت مذهب، وقایع کربلا و حضور امام رضا^{علیه السلام} و بسیاری از امام‌زادگان و شاگردان ائمه در ایران و راهبری علمای دین در کنار عوامل منفی مثل ظلم حاکمان جای دارد. در طول تاریخ ایران، از صدر اسلام تا دوران صفویه حکومت‌های مختلفی روی کار آمده‌اند ولی نتوانسته‌اند با ایجاد عقیده مردم را در کنار یکدیگر جمع نمایند؛ از این رو شاهد شکل‌گیری انواع حکومت‌های محلی، منطقه‌ای و قیام‌های متعدد شیعه محور بوده‌ایم ولی کاری که در دوران صفویه رخ داد، شکل‌گیری هویت اجتماعی با محوریت مذهب تشیع بود.

تشکیل یک حکومت بر مبنای فقه شیعه در ایران سبب تمایز هویتی جامعه با عثمانیان از سمت غرب و ازبکان از سمت شمال شرق می‌شد. اصولاً مذهب در این دوران نقش اول را به خود اختصاص داده بود و دعوی اصلی بر عقیده مذهبی بود فلذا به رسمیت‌شناختن مذهب تشیع در ایران تفکیک بسیار آشکاری را با سایر دولت‌ها برای ایرانیان پدید آورده بود و سبب هویت‌بخشی در مقابل امپراتوری عثمانی برای حکومت نوپای صفویه می‌شد. این هویت‌بخشی سیاسی، اقتدار سیاسی را افزایش می‌داد و غلبه بر مشکلات را تسهیل می‌نمود. این مسئله از دید شرق‌شناسان نیز مغفول نمانده است (سیوری ۱۳۷۸، ص ۲۹؛ پارسا دوست ۱۳۷۸، ص ۴۹۹). هویت‌بخش بودن مذهب تشیع به قدری در ایران عمیق بود که بیش از سه دهه بعد از فروپاشی صفویه به دست محمود افغان و عدم حمایت دولتی از مذهب و دین، تشیع به عنوان مذهب ایرانیان باقی ماند. اعتقاد مردم به ولایت فقها و نیابت عام از معصومین و همکاری ایشان با شاهان صفوی از عوامل اصلی این هویت‌بخشی بود، حضور محقق کرکی در قدرت سیاسی سبب بهره‌مندی مردم و حکومت

از این هویت اجتماعی در قالب فراگیری ارزش‌های اسلامی در جامعه و حکومت می‌شد. از نمونه‌های کوشش محقق‌کرکی می‌توان به احیای عبارت «أشهد ان علیاً ولی الله» در اذان به‌عنوان شعائر مذهبی اشاره نمود (روملو، ج ۲، ص ۸۵). از دیگر اقدامات کرکی در این زمینه نگارش مستند و علمی این غیریت‌سازی بر اساس متون دینی بود که می‌توان به کتاب «نفحات اللّاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت» اشاره کرد.

این هویت‌بخشی به نوع تعاملات در سطح سیاست خارجی فقط محدود به دولت عثمانی نبود؛ بلکه به روابط با مسیحیان نیز کشیده می‌شد چنان‌که شاه‌طهماسب متأثر از ایشان فرستادگان اروپایی را به انتظار نگه داشته و به دربار قزوین راه نداد و پیام ایشان را این‌گونه مطرح کرد: «ما به شما کافرها احتیاجی نداریم» و بعد دستور داد جایگاه قدم‌های نجس آن‌ها را تطهیر نمایند، این برخورد تحقیرآمیز سال‌ها در ذهن اروپاییان باقی ماند (نجفی ۱۳۸۴، ص ۵۴؛ رضانی، ۱۳۸۶). محقق کرکی در اقدامات بعدی برای توسعه و ارتقای این هویت اجتماعی به فعالیت‌های مختلفی پرداخت که نتیجه آن‌ها به تدوین کتب علمی، نمایندگان مذهبی، تربیت شاگردان، پاسخ به پرسش‌ها و دائر کردن کتابخانه‌ها و حوزه‌های علمیه منتهی گشت.

۲. وجود جریان صوفی مسلک در حکومت

تهافت تاریخی در این مسئله که مکتب صوفیان از قرن ده روه‌زوال رفت درحالی‌که صوفیان قدرت سیاسی جامعه را در قالب حکومت به دست داشتند، فقط با مبارزه علمای حاضر با این جریان قابل درک است. بستر این حضور را می‌توان با ناتوانی جریان تصوف در اداره امور سیاسی معنی نمود به طوری‌که تصوف با آموزه‌های دنیا‌گريزانه خود توان اداره یک حکومت را نداشت و از این رو به مکتب فرد تمایل بیشتری دارد تا به مکتب اجتماعی، درحالی‌که برای اداره جامعه نیازمند قاعده و قانون هستیم نه طریقت و ارشاد. صوفیه با دارا بودن عقیده به پیروی مطلق از قطب و مرشد، بستر مناسبی برای قیام و فتح را داشت؛ ولی ظرفیت اداره یک کشور را در قالب دستورالعمل‌های اجتماعی برای برطرف ساختن نیازهای جامعه را نداشت در نتیجه در قرن یازدهم چیزی از خانقاه‌های مهم تبریز و یزد باقی نمانده بود و مساجد و تکایا

واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی - سیدسجاد ایزدهی (۱۸۶-۱۶۲) / ۱۶۹

و حسینیه‌ها جایگزین این امر شده بودند. باطل بودن عقاید تصوف در نزد فقها سبب مبارزات هدفمند و نرم در بستر حضور فعال ایشان در حکومت می‌شد. دست‌کم دو عنوان از محقق کرکی می‌توان نام برد که در رد عقاید و جریان تصوف نگارش شده است:

۱. المطاعن المحرمية یا المطاعن المجرمية فی رد الصوفية (محمود البستانی، مقدمه رساله قاطعة اللجاج، ص: ۱۴) - این رساله اصل آن موجود نیست، اما فرزند کرکی از آن، نقل قول‌هایی در کتاب خود آورده است -

۲. الرسالة الاثنی العشرية فی الرد علی الصوفية. (مقدمه جامع المقاصد، جواد شهرستانی ص: ۶۰)

نگارش این دو کتاب در فضایی که محقق کرکی از جانب شاه اطاعت امرا و وزرا را به همراه داشت جای اقدامی به صوفیان را نمی‌داد، از این رو کرکی با بسترسازی مناسب از قبیل نشر علم، تعلیم فقه و نمادسازی فرهنگی ریشه صوفیان در قدرت سیاسی را متزلزل نمود و از سوی دیگر با افزودن غنای علمی معارف دینی و فقه سبب نهادینه‌سازی مکتب جعفری در بین مردم شد؛ از مهم‌ترین کتب ایشان در این موضوع می‌توان به «جامع المقاصد فی شرح القواعد» در فقه و «رساله النجمية فی الکلام» در عقائد اشاره کرد. از دیگر اقدامات محقق کرکی در تحول نگرش صوفیانه در حکومت می‌توان به نصب فقها و علمای شیعه در موازین صدارت، نقابت و ائمه جمعه بلاد مختلف و منع قصه‌خوانی قزلباش‌ها اشاره نمود؛ اگرچه تمامی اختلافات و منازعات کرکی با قزلباش‌های حل نشد؛ ولی مدیریت و برنامه‌های محقق کرکی توانست تا میزان زیادی تأثیرگذار بر نفوذ و تحریف جریان شیعی شود به طوری که شهید مطهری معتقد است اگر اقدامات کرکی در تضعیف این جریان نبود، امروز جامعه‌ای نظیر علوی‌های ترکیه و شام ظهور می‌نمود (مطهری، ۱۳۷۴ ص ۳۱۲)، همچنین برخی محققین معتقدند برعهده‌گیری مناصب دینی همچون شیخ الاسلامی توسط فقهای امامیه مثل محقق کرکی خطر انقراض صوفیان را بیشتر نمود و تقابل فقاها و تصوف را بیشتر ظاهر می‌نمود، سنی بودن برخی مشایخ تصوف بهانه نابودی قبور ایشان را فراهم کرد به طوری که شاه اسماعیل اقدام به این کار نمود (جعفریان، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۵۲۰).

۳. فقدان برنامه جامع حکمرانی اسلامی

دولت صفویه از زمان شروع تا استقرار حکومت فاقد یک برنامه جامع حکمرانی بود؛ به طوری که در مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند روشی شرعی برای اداره جامعه بود، از این رو با دعوت از علما در صدد بهره‌گیری از فقه اسلامی شیعی در جهت اداره امور جامعه می‌گشت، این مهم گاهی با دعوت شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه عباس معنی می‌شود و گاهی با عزل و نصب‌های فقها بر مصادر قضاوت، جمعه و موقوفات و گاهی با بهره‌گیری از فقه و روش‌های فقهی ایشان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تحلیل این نیازمندی با توجه به دو مسئله آشکار می‌شود؛ فقدان الگوی حکمرانی به جهت عدم حکومت مذهب شیعه و فقدان مسلک صوفیه از روش‌های قانونمند حکمرانی اسلامی. صوفیه به جهت طریقت محوری خاصی که در اندیشه پیروی می‌کرد به دنبال شریعت و فقه نبودند و همین مسئله سبب فاصله آن‌ها از دستورات عمل‌های شرعی در اجرای قوانین می‌شد در حالی که اعلام حکومت اسلامی از سوی شاهان صفوی و نیازمندی ایشان به طرق مشروع در جهت حکمرانی نیازمندی برنامه کارآمدی در اداره امور جامعه بود. تقابل با دولت عثمانی و غیراسلامی خواندن صوفیه به تشدید این امر منجر می‌شد.

محقق کرکی با ورود عالمانه به این موضوع در صدد تبیین روشمندی از فقه برآمد و ساخت جدیدی را در این عرصه رقم زد و چالش‌های عرصه حکمرانی را با اتکا به منابع دینی و روش اجتهادی مورد واکاوی و پاسخگویی قرارداد.

۴. رویکرد محقق کرکی در فقه حکومتی

محقق کرکی مناسب با اقدامات علمی به پردازش فقهی نوین دست زد و در سه عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ دستاوردهای جدیدی را به ارمغان آورد.

فقه حکومتی در عرصه سیاسی

فقه در عرصه سیاست می‌تواند دو تعامل داشته باشد، رویکرد سنتی به فقه به دوری از مسائل سیاسی و انزوای از موضوعات حکومتی و اجتماعی منتهی می‌شد و رویکرد

حکومتی به اعتبار توجیه منطقی به مدیریت این عرصه ختم می‌شود، بنابراین در فقه حکومتی محقق کرکی فهم منطق مشروعیت تعامل و انواع این تعامل ضروری است.

اول: مشروعیت بخشی به تعامل با حاکمان جائر موافق

مسئله تعامل با حاکمان از دیرباز مورد توجه فقها بوده است، این مسئله باتوجه به متغیرات متعدد دارای ابعاد متفاوتی در حکم به جواز و حرمت قرار گرفته است؛ مثلاً سید مرتضی فقط در صورتی ولایت از جانب جائران را واجب می‌داند که اقامه حق و امر به معروف منحصر در آن باشد (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۰) و شیخ طوسی صرف احتمال اقامه معروف به شرط عدم قصور در واجبات و دخول در محرمات را مجوز ورود به دربار حاکمان ظالم اعلام می‌کند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۵۶)، این در حالی است که محقق کرکی با توسعه در اختیارات فقیه جامع شرایط این مسئولیت را به میزان مقدور واجب می‌داند.

محقق ثانی اشکال اقامه حدود از سوی حاکم جائر را این گونه دفع می‌کند که اساساً این منصب حق واگذار شده از سوی ائمه اطهار به فقیه است که در صورت توانایی، اقدام به اقامه حدود و احکام را بر ایشان وظیفه می‌داند. غضب و تسلط ناحق حاکمان مانع از مسئولیت فقیه نمی‌شود و ایشان بنابر نیابت عامه موظف به اقدام به میزان توانایی اند (کرکی ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۹۰). ایشان در رسائل خود این چنین می‌نویسد: «فقیه دارای اوصاف معین شده، از جانب ائمه در همه چیزهایی که نیازمند اذن امام است منصوب می‌باشند» (کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص: ۱۴۳). همچنین در رساله دیگر تصریح می‌کنند که فقیهان نایبان امام معصوم در دوران غیبت اند و با نظر ایشان حلیت تصرف مستند می‌شود (کرکی، ۱۴۱۳، ص: ۸۸). محقق کرکی در بحث ولایت وصایت معنی حاکم را در فقیه به صورت مطلق در کلام صاحب شرایط فقیه جامع شرایط تفسیر می‌کند و بر ولایت فقها در عرصه غیبت تأکید می‌نماید (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص: ۲۶۷)، از این رو نظریه ولایت فقیه در سراسر فقه ایشان پررنگ بوده و جای تردیدی را برای اساسی بودن نظام سیاسی مشروع در فقه ایشان باقی نمی‌گذارد؛ بنابراین، تعاملات محقق با دولت جائر دارای مشروعیت الهی است که از

نصب ائمه خبر می‌دهد و یک راهبردی برای قوام بخشی به نظام شیعه در ظرف دولت جور را فراهم می‌کند و سبب بهره‌مندی شیعیان از امکانات عمومی و شهروندی جامعه می‌شود. از آنجاکه فقیه دارای شرایط، به‌عنوان نائب امام معرفی می‌شود، بهترین ضمانت اجرایی بر عدم انحراف مذهب به سوی ظالمان است.

ترسیم تطبیق اعمال ولایت فقیه بر حضور فعال در امارت صفویه نیازمند تصویر صحیح از فضای حاکم بر جریان صفویه در بستر تاریخ است. توجه به قدرت حکومت‌های ظلم و جور (امویان و عباسیان) در چند سده اول و نبود فضای کافی برای رشد و بسط تبلیغات شیعی همواره علما را به مبارزات منفی فراخوانده است. این مسئله به‌جز در دوران کوتاه آل‌بویه یا حکومت‌های محلی موقت سبب ظلم‌های فراگیر و شهادت شیعیان و علما می‌شد، از این‌رو تشکیل یک قدرت سازمان‌یافته شیعی، فضای بسیار مطلوبی را برای رشد و سامان دادن به قوانین و احکام فقهی شیعه فراهم نمود و وضع ایشان را بهبود بخشید؛ در نتیجه اقبال علمای شیعی با حفظ شرایط و توجه به ظرفیت‌ها با سلاطین وقت، در نوع خود کم‌نظیر است (علیخانی، ۱۳۹۰، ج ۲).

شاهان صفوی در مقابل تهمت غیراسلامی بودن حکومت صفوی از سوی عثمانیان و مشروعیت بخشی حکومت در نزد شیعیان نیازمند اثبات اذن الهی در فلسفه حکمرانی خود بودند (صداقت، ۱۳۸۴، ص ۸۵)، اوج این مسئله را می‌توان در نامه شاه‌طهماسب و تصریح او به نیابت فقها از امام معصوم و نیابت شاهان از سوی فقها یافت، در چنین شرایطی شاه کارگزار از سوی مجتهد در اداره امور نظامی و مالی حکومت است و امور شرعی مستقیم توسط مجتهد اداره می‌شود.

حضور علمای شیعه در دربار حکام علاوه بر اینکه سبب بهره‌مندی از علوم و اخلاق ایشان می‌شد سبب مصونیت حکام در برابر سیاست‌زدگی از سایرین می‌گشت، وابستگی پادشاهان به تفکرات و تعصبات غلط، سبب اشتباه مسیر حکمرانی و قربانی نمودن منابع کشور می‌شد؛ بدین منظور علما بنا بر وظیفه الهی در صدد ارائه برنامه‌هایی بودند که موجب رشد و شکوفایی مراکز علمی و سیاست‌های صحیح حکمرانی و بهره‌مندی مردم از منابع کشوری می‌گشت. در مقابل این رویکرد فقهی کرکی دو گروه از علما بودند، برخی با نگاه

واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی - سیدسجاد ایزدهی (۱۸۶-۱۶۲) / ۱۷۳

عرفانی_فلسفی همانند کمال‌الدین حسین میبیدی به توجیه رویکرد صوفیانه می‌پردازد و برخی فقها همانند شیخ ابراهیم قطیفی با نگاه انعزال سیاسی هر گونه تعامل با دولتمردان صفویه را ممنوع می‌دانستند (جامه‌بزرگ، ۱۴۰۰، ص ۱۴۲). این تأثیرات مثبت بر جامعه و حکومت صفوی نتیجه فقه حکومتی محقق کرکی است که تفاوت معناداری را با دیگر رویکردهای فقهی به جای می‌گذارد.

۵. شرایط مشروعیت تعامل با حاکمان صفویه

محقق کرکی برای تعامل با حاکمان صفوی دو دسته شرایط را نظر گرفت؛ دسته اول شرایط، به نگرش مشروعیت از حکومت برمی‌گردد، به طوری که محقق کرکی به تبع دیگر فقها، این نکته را مدنظر داشت که حضورشان در دستگاه شاه، نباید به مشروعیت بخشی پادشاه به‌عنوان امتداد فلسفه سیاسی امامت ختم شود (نظریه سلطنت مشروع)؛ از این رو ایشان با نایب دانستن فقیه امامی از امامان معصوم علیهم‌السلام در دستگاه صفویه عمل کردند، برخلاف علمای اهل سنت که سلطنت را به بخشی از نظریه خلافت اسلامی تبدیل کرده بودند؛ مثلاً فضل‌الله بن روزبهان اصفهانی در دربار ازبکان با نوشتن کتاب سلوک الملوک؛ ابوالحسن ماوردی فقیه شافعی در دوران خلافت قادر عباسی و ابویعلی فراء فقیه حنبلی در دوره خلافت قائم عباسی با نوشتن الاحکام السلطانیه سلطنت را به بخشی از نظریه خلافت اسلامی پیوند زدند (علیخانی، ۱۳۹۰، ج ۲؛ دیانت ۱۳۷۷؛ حسینی‌زاده، ۱۳۸۰). کرکی و فقهای شیعه توجه داشتند که حضورشان نباید سبب کسب مشروعیت دینی برای شاهان شود؛ بلکه به عکس باید سلاطین مشروعیت خود را از علما دریافت نمایند و حاکمان نیز خود را جزء عمال، متصدیان، مجریان و دست‌اندرکاران فقیه نایب معصوم به حساب می‌آوردند و همین مسئله سبب بهبود روابط اجتماعی و تعاملات سلطانی در سطح مردم می‌شد. دست‌کم برخی شاهان صفوی و خصوصاً شاه طهماسب این موضوع را به خوبی درک کرده بودند صراحتاً به عامل بودن خودشان و حقانیت حکومت به فقها اعتراف می‌کردند و مخالفت با حکم ایشان را مورد مؤاخذه و جریمه می‌دانستند (خوانساری، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۳۶۱). لازم به ذکر است که بروز اختلافات محقق ثانی با

معاصرین خویش ناشی از فهم نادرست آن‌ها از این شرط در نظام فقه سیاسی کرکی بوده است.

دسته دوم شرایط حضور محقق کرکی در دربار، عدم اشتغال به فعل محرّمات بود، ایشان با پذیرش شرایط علامه حلی از قبیل علم به اقامه حدود، عدم مشغولیت به حرام، همکاری مقید را می‌پذیرد و در صورت اضطرار به همکاری نیز اجابت ایشان را واجب می‌داند و تأکید نمود این همکاری نباید به هیچ‌وجه سبب قتل فردی شود (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص: ۴۸۹). اگرچه حضور فقها در دربار امری ناپسند تلقی می‌شد؛ ولی زمانی که مصالح عمومی شیعیان موردنظر بود و سبب دفاع از حقوق ایشان می‌شد امری مطلوب به شمار می‌رفت؛ به طوری که برخی اصحاب ائمه همانند علی بن یقطین و اسماعیل بن بزیع، عبدالله بن نجاشی و عبدالله بن سنان با اذن ائمه برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر و مانع برای ظلم و برقراری عدل در دولت‌های جور فعالیت می‌کردند. (غلامحسینی ۱۳۷۷؛ عاملی ۱۳۹۰، ص ۸۶؛ ربانی، ۱۳۷۹)

دوم: تجویز عهده‌داری مناصب حکومتی از جانب فقیهان

حکومت‌ها در سرزمین اسلامی همواره به جهت ضرورت اجرای قوانین شرعی نیازمند حضور علما بوده‌اند؛ پرهیز علمای شیعه به علت عدم مشروعیت بخشی و ضدیت سلاطین با فقهای شیعه، سبب زیست در حاشیه و تقیه ایشان می‌شد. تمایل شاهان صفویه به حضور علمای شیعه و خطر تمایل یافتن شاهان به فقه سنی در آیین کشورداری، سبب رغبت علما به دربار شد، در نتیجه محقق کرکی، همراه بسیاری از علمای جبل عامل به سوی ایران مهاجرت نمودند.

فقدان مرام تصوف و رابطه مریدی و مرادی از آیین کشورداری، حضور علما را بیش از پیش ضروری نمود. روشن بود که مقام صدارت و قضاوت که کار رسیدگی به امور شرعی را در اختیار داشت، نمی‌توانست به یک صوفی یا قزلباش سپرده شود؛ چراکه اداره این امور نیاز به فقه و شریعت داشت، بنابراین حضور علما پاسخ به این نیاز حکومت به شمار می‌رفت و از سوی شاه نیز اطاعت ایشان مورد فرمان قرار گرفته بود. به طوری که

واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی - سیدسجاد ایزدهی (۱۸۶-۱۶۲) / ۱۷۵

شاه طهماسب خطاب به امرا و وزرا و سایرین امر می‌کند اوامر محقق کرکی در عزل و نصب مطاع باشد (خوانساری، ۱۴۲۵، ۴: ۳۶۱).

قضاوت شیخ الاسلامی، صدارت، نقابت، امامت جمعه از جمله مناصب مختص فقها بود و حضور در این مناصب سبب بهره‌مندی حکومت از قوانین اسلامی می‌شد. محقق کرکی با قبول منصب شیخ الاسلامی توانست در اقصی نقاط کشور، علما را در مناصب شرعی قرار دهد و آرزوی عالمان شیعه در برقراری احکام شرعی، دفاع از مظلومین شیعه و اجرای موازین شرعی را محقق نماید. به طوری که هیچ شیعه‌ای به خاطر مذهبش مورد ستم نباشد و اموال و موقوفات به مصرف خودشان برسد. عدالت‌پیشگی و چگونگی برخورد مسئولین با مردم، اخذ مالیات و مقدار آن، تعیین پیش‌نمازی برای شهرها و اجرای احکام دینی و مراسم اسلامی از مهم‌ترین دستورات نامه‌های محقق کرکی است (بحرانی ۱۲۶۹، ص ۱۵۱)، این مسئله از اهمیت جایگاه ایشان در دولت صفوی خبر می‌دهد که نقش به‌سزایی در سامان‌دادن نظام شرعی در قوانین حکومتی است، ضمانت اجرایی شاه در اغلب، سبب رشد و شکوفایی مذهب در ایران شد. شاه طهماسب بسیاری از امور مملکتی را به محقق کرکی واگذار نموده بود و همین امر سبب اهتمام محقق کرکی به حل مسائل حکومت از پایگاه فقه گشت. (خوانساری، ۱۴۲۵، ۵: ۱۶۷؛ صداقت، ۱۳۸۴: ۸۹).

فقه حکومتی در عرصه اقتصادی

فقه در عرصه اقتصاد دارای مباحث مختلفی است که جداسازی رویکرد حکومتی و سنتی کار بسیار دشواری است؛ زیرا تجویز و تحریم عناصر مختلف دارای آثار و تبعات مستقیمی بر مدیریت مالی یک حکومت دارد؛ رویکرد محقق کرکی در حل چالش‌های مالی دولت صفویه به دو بخش تقسیم می‌شود:

اول: تثبیت نظام مالی حکومت با زکات و خراج

اعطای زکات از وظایف مالی مسلمانان می‌باشد، جداسازی این امر مالی به‌عنوان یک واجب شرعی فردی یا مالیات شرعی که در اختیار حاکم جامعه قرار بگیرد، تابع وجوب پرداخت آن در دوران غیبت به فقیه است، به طوری که اگر زکات را واجب فردی بدانیم

مكلف می‌تواند اقدام به پرداخت در مصارف نماید و در صورتی که فهم از زکات امری سیاسی و به‌عنوان منبع مالی حکومت باشد، صرفاً به فقها به‌عنوان نایبان حاکمان شرع پرداخت می‌شود. محقق کرکی در شرح عبارت علامه حلی مبنی بر وجوب پرداخت زکات به امام معصوم بیان می‌کند که در صورت طلب ایشان، پرداخت زکات فقط به ایشان واجب است و تحویل آن به مستحق کفایت نمی‌کند (حلی ۱۴۱۳، ج ۱، ص: ۳۵۲؛ کرکی ۱۴۱۴، ج ۳، ص: ۳۷)؛ این مسئله مشترک بین امام و فقیه است و همچنان که نصب کارگزار بر امام معصوم لازم است، بر فقیه مبسوط الید نیز ضروری می‌باشد. متأخرینی همانند صاحب جواهر این مسئله را به تصریح بیان نموده‌اند که متولی امر زکات در دوران غیبت فقیه است (نجفی ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص: ۴۲۲) و جایگاه فقیه در عصر غیبت جایگاه امام معصوم است که سامان دادن امور مسلمین بر عهده ایشان است و اگر بسط ید در همه امور نداشت به مقدار مقدور باید اقدام نماید.

مسئله خراج^۱ و مقاسمه از مهم‌ترین مسائل اقتصادی دولت صفویه بوده است، چراکه بخش مهمی از بودجه دولت را تأمین می‌کرده و سبب رواج کشاورزی و درآمدزایی و کاهش اختلال‌های سیاسی ناشی از اقتصاد و مدیریت بحران از جمله قحطی و وابستگی به خارج از کشور می‌شده است، مثلاً در مورد زمین‌های صلحی که ساکنان آن‌ها بدون جنگ، حاضر به صلح شدند دو اقدام طبق معاهده پیش می‌آمد، اول آنکه زمین‌ها در ملکیت صاحبان اولیه باقی می‌ماند و خراج پرداخت می‌کردند یا با انتقال مالکیت به همه مسلمانان درآمد در ازای استفاده از زمین‌ها خراج می‌پرداختند (طوسی ۱۳۸۷، ج ۲، ص: ۲۹؛ عاملی ۱۴۱۷، ص: ۱۶۳). در نتیجه مشروعیت تصرف در آن‌ها برای دولتی که خود را اسلامی و دینی معرفی کرده و مذهب شیعه اثنی عشری را طریق قرار داده است، اهمیت والایی پیدا می‌کرد.

محقق کرکی با نگارش کتاب «قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج» به بسیاری از مسائل و شبهات پیرامون خراج پاسخگویی نمود و یک سند معتبر دینی برای حکومت صفویه در خراج را فراهم کرد. ایشان در پنج مقدمه به مسائلی همچون اقسام زمین‌ها، حکم

۱. خراج به مالیات و اجرتی که از زمین‌های گرفته می‌شود اطلاق می‌گردد و به مفتوحة العنوه، صلحی و فیء تقسیم می‌شوند (طوسی ۱۴۰۰، ص: ۱۹۴).

زمین‌هایی که در جنگ فتح شده‌اند، زمین‌های انفال، تعیین مصادیق زمین‌هایی که در جنگ فتح شده‌اند و معنی خراج پرداخته‌اند. رهگشادترین مسئله که سبب حل معضل در حکومت صفویه شد حلیت مصرف خراج در زمان غیبت امام معصوم و مستند نمودن این مطلب به فقهای پیشین همچون شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، ابوالصلاح حلبی و دیگران است. به طوری که ایشان می‌نویسند: هر کس در نظر علمای بزرگ مثل سید مرتضی، خواجه نصیرالدین طوسی، حسن بن مطهر تأمل نماید، برایشان شکی باقی نمی‌ماند که آن‌ها نیز همین راه و مسلک را پی گرفته‌اند (کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص: ۲۷۰)

جزئی‌نگری و مشخص نمودن موارد خاص مفتوح عنوه^۱ و انفال از دیگر ویژگی‌های خاص این کتاب است به طوری که ایشان زمین‌های مکه، عراق، شام، خراسان و بعضی از زمین‌های ایران و بحرین را از انفال دانسته است (کرکی، ۱۴۱۳ق: ۶۱) و اراضی سواد عراق را به صورت خاص ذکر می‌کند که در طول بین آبادان و موصل و در عرض بین قادسیه و حلوان است (کرکی، ۱۴۱۳ق: ۶۳). همچنین دو سرزمینی که از دورترین گوشه خراسان تا کرمان، خوزستان، همدان، قزوین و اطراف آن‌ها است نیز مفتوح عنوه‌اند (کرکی، ۱۴۱۳ق: ۶۹). از دیگر مسائل این کتاب، جواز پرداخت خراج از زمین‌ها احیاشده در صورت انحصار در سلطان جائر در دوران غیبت جهت اداره حکومت و مصالح مردم است (کرکی، ۱۴۱۳ق: ۸۲).

دوم: ارتقای نظام اقتصاد جامعه
محقق کرکی با تجویز دو مسئله سبب ارتقای نظام مالی دولت صفویه در عصر خویش شد که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

جواز استفاده از زمین‌های انفال

شمول اموال عمومی متعدد همانند زمین‌های موات، زمین‌های رهاشده، معادن، آب‌ها، سواحل دریا، رودها، نیزارها، کوه‌ها و دره‌ها و موارد دیگر (ارث بدون وارث، غنائم در جنگ

۱. مفتوح عنوه به زمین‌هایی که با پیروزی در جنگ، به دست مسلمانان افتاد و به ملکیت آنان درآمده است، گفته می‌شود و زمین‌هایی که اهالی آن، بدون جنگ زمین را رها کرده یا به دولت اسلامی سپردند و یا اهل آن‌ها منقرض شدند را فیء و انفال می‌نامند (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۰۶؛ حلی، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۲۷).

بی اذن امام، غنائم برگزیده، اموال پادشاهان کافر) نیازمند یک موضع فقهی مستند برای بهره‌مندی مردم و دولت از آن‌ها بود.

محقق کرکی زمین انفال را به محیات و موات تقسیم کرده و معتقد است بنابر هر دو قسم کسی که آن را در دست دارد شیعه یا غیرشیعه است و هرآن چه که از این اراضی در دست شیعه باشد باوجود اختصاص هر یک از زمین‌های محیات و موات به حکم خود، بر آن‌ها حلال است. حلیت انفال برای شیعیان (کرکی، ۱۴۰۹، ص ۲۵۵) و حکم به جواز استفاده از زمین برای احیاکنندگان در دوران غیبت از مسائل مهمی است که کرکی در رساله بیان کرده است (کرکی، ۱۴۱۳، ص ۴۹). الحاق این زمین‌ها به مفتوح عنوه و جواز خراج بر آن‌ها از سوی حاکم نیز از دیگر مسائلی است که سبب توسعه در منابع مالی دولت شده است و از سوی دیگر جواز انتفاع مردم را نیز به همراه دارد (کرکی، ۱۴۱۳، ص ۶۰).

مشروعیت جوائز سلطان

یکی از اشکالات فقهای معاصر محقق کرکی، دریافت هدایای پادشاهی بود که علت تحریم آن دارای چند وجه می‌باشد: اطلاق روایات وارد شده در این موضوع؛ وجود مال حرام یا مشتبه به خاطر ظلم و غصبی که حاکمان دچار هستند و تقویت نظام سلطانی جائز که در مقابل نظام عدل ائمه قرار داشت. در نتیجه کرکی در رساله خویش به تمامی زوایای حلیت هدایای حاکم پرداخت و با حل آن، زمینه تعامل وسیعی را برای مردم باز نمود.

محقق کرکی ابتدا به روایاتی که دریافت وجه از سلطان را جائز می‌داند اشاره می‌کند و با پردازش آن‌ها به شهرت روایی نزد اصحاب تمسک می‌کند. روایت اول در ترغیب ابوبکر حضرمی در گرفتن سهم از بیت‌المال و روایت دوم مربوط به دریافت حسنین علیهما السلام از پول اعطایی معاویه است (کرکی، ۱۴۱۳، ص: ۷۶ و ۷۹). ایشان درنهایت به ملازمت علمای بزرگ با سلاطین وقت همانند علامه حلی با شاه خدابنده اشاره نموده و کلام شیخ طوسی و شهید اول و محقق حلی را این‌گونه نقل می‌کند:

آنچه که سلطان از غلات تحت عنوان مقاسمه می‌گیرد، با پولی که تحت عنوان خراج می‌گیرد یا چهارپایانی که به عنوان زکات اخذ می‌شود، خریدش جایز و پذیرفتن آن

واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی - سیدسجاد ایزدهی (۱۸۶-۱۶۲) / ۱۷۹

به عنوان هبه رواست و هیچ لزومی به مراجعه به صاحب اولیه آن نیست؛ حتی اگر کاملاً شناخته شده باشد (کرکی، ۱۴۱۳، ص ۸۱).

محقق ثانی برای رفع تردیدهای نهایی از بحث نیابت از امام معصوم علیه السلام در حال غیبت نیز استفاده می کند. با نظر ایشان دیگر جای هیچ شکی باقی نمی ماند. (کرکی، ۱۴۱۳، ص: ۸۷) پس از پایان، محقق مطرح می سازد: اکنون روشن شد، کمترین تردید در حلیت استفاده از اموال خراج وجود ندارد. ایشان به طعنه های مخالفان، اشاره کرده و آرای آنان را سبب هدم دین و خشم الهی می داند.

فقه حکومتی در عرصه فرهنگی

مصادیق رویکرد حکومتی محقق کرکی به فقه در عرصه فرهنگی در دو مسئله قابل پیگیری است:

اول) اقامه امر به معروف و نهی از منکر در سطح حاکمیت

امر به معروف و نهی از منکر از بزرگ ترین فرایض دینی به شمار می رود، حضرت علی علیه السلام می فرمایند: تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان در برابر دریای پهناور است (سیدرضی، ۱۴۱۴، ح: ۳۷۴). این دو حکم در اسلام ضامن عمومی اجرای دستورات شرعی است. در نتیجه اهتمام به آن سبب بالا رفتن سلامت جامعه و تثبیت فضائل اخلاقی در جامعه است.

محقق کرکی در اجرای فرامین الهی و ابلاغ دستوراتی که سبب بسته شدن مراکز فساد می شود پیشرو بود، از مهم ترین اقدامات ایشان کوتاه نمودن دست برخی اطرافیان شاه بوده است، مخالفت هایی که درباریان با محقق کرکی داشته اند ریشه در همین همت بلند ایشان در اجرای فرامین الهی در خود حکومت بوده است باشد به طوری که محمود بیگ مهرداد قصد جان محقق کرکی را داشت که قبل از اقدامی به علت سقوط از اسب جان خود را از دست داد (پیمان، ۱۳۷۲، ص ۴۳).

هدایت فکری و توجه به اصول بنیادین عقیدتی از مهم ترین مصادیق امر به معروف در جامعه است که توحید، نبوت و معاد اساس آن را در تفکر اسلامی شکل می دهد و امتداد آن

در ولایت منصوبان الهی و شایستگان حکومت می‌باشد؛ محقق کرکی در تبیین عقلی و نقلی اصول بنیادین عقیدتی اهتمام ویژه‌ای داشت به طوری که در پاسخ به درخواست شاه اسماعیل (کرکی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص: ۲۲۵) رساله «تعیین المخالفین لأئمة المؤمنین» را نوشت و در جهت رشد و ارتقا جامعه بر بستر نفی ولایت طاغوت و غیریت‌سازی با دولت عثمانی رساله «رسالة نفحات اللاهوت فی لعن الجبیت والطاغوت» را کتابت نمود.

دو مسئله مهم فقهی یعنی نیاز به جرح در جواز امر به معروف و اقامه حدود در زمان غیبت در امر به معروف باید مشخص شود. محقق کرکی درباره مسئله اول و میزان حد امر به معروف و شرط عدم زخم می‌فرماید قول اول که امر به معروف را مشروط به چیزی نمی‌داند به این توجیه متمسک شده است که از آنجاکه اصل امر به معروف و نهی از منکر مشروط نیست؛ لذا این موارد نیز مشروط به زخم و جرح نیست؛ ولی قول دوم که صحیح‌تر به نظر می‌رسد مشروط بودن زخم و جرح و قتل به فراوانی فتنه و اختلاف است و در این صورت اگر برای فقیه اقامه حدود را واجب بدانیم تولی و بر عهده گرفتن این مسئله نیز بر اوست (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص: ۴۸۹). در مورد جواز اقامه حدود در دوران غیبت هم سو با علامه حلی می‌فرماید که بر فقیه اقامه حدود واجب است (کرکی ۱۴۱۴، ج ۳، ص: ۴۹۰). این مسئله یکی از رهگشائترین مسائل در امر به معروف از سوی حکومت بود که می‌توانست سبب ایجاد اقتدار سیاسی در مقابله با انواع منکرات در حکومت بشود.

ایشان با واجب عینی دانستن امر به معروف (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص: ۴۸۵) سبب صدور فرمان‌های ممنوعیت شاه‌طهماسب در مقابله با انواع مفساد اجتماعی همانند شراب‌خانه‌ها، آلات لهو و قمار، قصه‌گویی و فاحشه‌خانه‌ها شد (نواوی، ۱۳۸۶، ص: ۵۱۳؛ جعفریان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص: ۳۷۹؛ بیگمنشی، ۱۳۱۴، ج ۱، ص: ۲۰۱؛ روملو، ۱۳۸۴، ص: ۳۲۳؛ رودگر، ۱۳۹۰، ص: ۸۴). محقق کرکی با تحلیل و استثنا قبور ائمه از روایات نهی از گچ‌کاری قبور به علت تعظیم شعائر (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص: ۴۰۵) زمینه مناسبی برای اقدامات حکومتی در تعمیر، توسعه، تزیین و تجدید بنای بارگاه ائمه و امامزادگان فراهم نمود.

ساخت مساجد، حوزه‌های علمیه، نهضت شعرخوانی و مرثیه‌سرایی برای اهل بیت، ضرب سکه به نام امامان، ترجمه کتب اسلامی به فارسی از مصادیق مهم امر به معروف

کرکی است که سبب جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی در نسل بعدی در مواجهه با بی‌فرهنگی بیگانگان و رشد علم و فرهنگ در ایران صفوی شد (اسماعیلی، ۱۳۹۲، ش ۲؛ جهانبخش، ۱۳۹۵). علاوه بر اینکه اولویت محقق کرکی در حراست از ظواهر اخلاقی شاهان نیز فراموش نشد و سبب توبه‌نامه‌های شاهی و تبعید برخی نوازندگان و رقاصان همچون وصلی تبریزی مصنف، غفوری، واصفی نی‌نواز، قاسم علی قانونی، حسن عودی، حسینی کوچک نای از سوی شاه اسماعیل شد و اقتدار سیاسی و پذیرش عمومی شاه شیعه را افزایش داد (سام میرزا، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳).

دوم) جواز اقامه نماز جمعه

با آن‌که دولت نوپای صفویه مدعی حکمرانی دینی بود در مقابل عثمانیان از مناسک کمتر اسلامی بهره داشت و همین مسئله دستاویزی برای عدم مشروعیت از سوی عثمانی‌ها شده بود؛ به طوری که میرمخدوم شریفی بعد از فرار از قزوین و پیوستن به عثمانی با نوشتن رساله‌ای استدلال بر رد تشیع را مدلل به ترک نماز جمعه و جماعت نموده بود (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۲۹). آیت‌الله بروجردی با سیاسی دانستن این منصب و برشماری آن برای سلطان متذکر می‌شوند که در زمان صفویه شاه اسماعیل در مقابل عثمانیان تمایل به برگزاری نماز جمعه شد و افرادی را بر این منصب به‌عنوان امام جمعه معرفی نمود (بروجردی، ۱۴۱۶، ص ۱۷). چالش شهرت فتوای قدما مبنی بر ممنوعیت نماز جمعه در عصر غیبت و اختصاص آن به امام معصوم این مسئله را در اذهان متدینین به دنبال داشت که اقامه جمعه در دوران غیبت بدعت و انحراف تلقی می‌شد. محقق کرکی با تألیف رساله نماز جمعه به تمام شبهات نماز جمعه پاسخ دادند، ایشان در مقدمه کتاب انگیزه نگارش را پالایش ذهنی مردم درباره مسئله نماز جمعه عنوان می‌کند (کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۳۹).

محقق کرکی با بهره‌مندی از عمق فقهی به‌گونه‌ای مسئله را حل نمود که رساله ایشان مبنای عمل برای دولت قرار گرفت و نقطه عطفی را در تاریخ تشیع به وجود آورد، خود ایشان برای نخستین بار در مسجد جامع اصفهان نماز جمعه را برگزار نمود.

سیر تحول فتوای نماز جمعه این‌گونه است که برخی فقهای متقدم قائل به حرمت

نماز جمعه در عصر غیبت بوده‌اند (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۱، ۲۷۲؛ سالار، ۱۴۰۴ق، ص ۷۷؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ص ۶۳) و مشروعیت برگزاری آن فقط با امام یا منصوب ایشان می‌دانند، بعد از شهید اول که جواز آن را محتمل دانستند (عاملی، ۱۴۱۴، ۱، ۱۶۴)، محقق ثانی قائل به وجوب تخییری نماز جمعه شدند (کرکی، ۱۴۰۹، ۱، ۱۵۱). محقق کرکی همه ادله مخالفین از قبیل عدم دلیل بر نیابت در نماز جمعه و اختصاص آن به خود معصومین را به ادله ولایت فقیه و نیابت از معصومین پاسخ دادند (کرکی ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵۳) و در نتیجه چون اجماع بر وجوب تعیینی وجود نداشت قول به وجوب تخییری برای ایشان ثابت است و به این بیان عدم اقامه نماز جمعه از سوی فقهای پیشین نیز بر همین مبنی توجیه می‌شود. استقرای کامل کلمات فقها علاوه بر عمق فهم، سبب شده است که این کتاب به اثری ماندگار تبدیل شود، مخالفین محقق کرکی اگرچه سعی نمودند که با نوشتن ردیه ادله ایشان را مردود کنند؛ ولی استحکام فقهی و ادله ایشان به قدری قوی بود که راه را بر مخالفین به گونه‌ای می‌بست که ولایت در افتاء و ولایت در امور حسبه را نیز نباید می‌پذیرفتند. در واقع کرکی با پذیرش اختصاصی بودن منصب جمعه برای امام معصوم و امتداد نیابت فقیه از ائمه معصومین در دوران غیبت می‌توانند (فقیه جامع شرایط) اقدام به برگزاری آن نمایند.

محقق کرکی برای فقیه جامع شرایط در اداره حکومت اسلامی دخالت و نظارتی را قبول می‌کند. ایشان در مقدمه دوم بیان می‌کند که همه اصحاب قبول دارند که در دوران غیبت هر آن چه که نیابت در آن مدخلیت دارد برای فقیه عادل جامع شرائط از طرف ائمه علیهم‌السلام ثابت است (کرکی ۱۴۰۹، ج ۱، ص: ۱۴۳)، ایشان با برگزاری و نصب دیگر فقها سبب احیای نماز جمعه در کل کشور شد و شبکه عظیمی از اطلاع‌رسانی برای حکومت صفویه ایجاد شد.

نتیجه

فقه حکومتی نگرشی است که فقیه برای حل چالش‌های یک حکومت به استنباط از ادله می‌پردازد. فقه حکومتی تولید فقهای نیم‌قرن اخیر جمهوری اسلامی ایران نبوده و در تراش فقهی دارای پیشینه، بنیادها و ضوابط مشخصی است که فقیه با اصول استنباط بایسته به سراغ ادله می‌رود و با استنتاج از آن‌ها راه‌حل شرعی برای مسائل حکمرانی، مشخص

می‌کند. فقه حکومتی با حفظ اصول و مبانی ثابتش در طول سالیان مختلف به تناسب زمان، دارای قوت‌ها و ضعف‌های متفاوتی بوده است، بی‌توجهی قدرت‌ها به ظرفیت‌های فقهی در جهت اداره کشور و عدم توانمندی کارگزاران در اجرای کامل برنامه‌ها، خود عاملی در اعراض مقطعی از فقها و کسادی فقه حکومتی بوده، درحالی‌که رشد این عرصه با افزایش مؤلفه‌های نوینی مانند کل‌نگری، نظام‌مند بودن پدیده‌ها، هدف‌محوری حکومت، شمول تکلیف نسبت به فعل و آثار و متعلقات، لحاظ ثابتات و متغیّرات، کارآمدی در اجرا، قابلیت تبدیل احکام به قانون و در نظر گرفتن شخصیت حقوقی به رویش جدیدی رسیده است.

محقق کرکی در فقه حکومتی خود با دو مسئله اصلی روبرو بود، جریان اسلام غیرشیعی که دارای چارچوب مشخص حکمرانی بودند و اساساً دولت صفویه را به‌عنوان یک حکومت اسلامی نمی‌پذیرفت و جریان داخلی صوفیه که فاقد دستورالعمل‌های اسلام در جهت اداره کشور که فقیه را به‌عنوان رهبر عالی قبول نداشتند. محقق کرکی برای حل این دو بحران با ارائه برنامه خود در سه موضوع سیاست، اقتصاد و فرهنگ به سامان‌دهی حکومت صفویه پرداخت. ایشان با حل مسئله مشروعیت شاهان، در شمار کارگزاران نایبان ائمه در دوران غیبت به رسمیت درآورد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حکومت به جعل مناصب مناسب با فقهت روی آورد. در اقتصاد نیز با وجوب پرداخت زکات و خراج به شاهان آن‌ها را توانمند در اداره کشور ساخت و با استنباط فقهی حلیت انفال و هدایای شاهی، سبب رونق بخشیدن به زندگی مردم و حکومت شد. در عرصه فرهنگ نیز با اجرای امر به معروف و جواز آن در ابعاد وسیع حکومتی و توسل به زور مانع رواج باطل و فساد شد و با فتوا به وجوب نماز جمعه پل ارتباطی و رسانه پربسامد جمعی بین حکومت و مردم را ایجاد کرد و ائمه جمعه را منصوب نمود. در مقابل فقه غیرحکومتی ارائه طرح تقیه خود را موظف به ارائه برنامه در جهت تثبیت و رشد حکومت و جامعه نمی‌دانست با انعزال سیاسی فقط به ارتباطات ضروری اکتفا می‌کرد.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن ادريس، محمد بن منصور حلی (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی. قم، دفتر انتشارات اسلامی.

اسماعیلی، محبوبه (۱۳۹۲). بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۴۶(۲)، ۱۴۵-۱۷۲.

انصاری، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵). کتاب الزکاة. قم، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری. ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۴). امام خمینی و نگرش حکومتی به فقه. علوم سیاسی، ۱۸(۷۰)، ۱۱۵-۱۳۶.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۹). ماهیت و ویژگی های فقه حکومتی. حکومت اسلامی، ۲۵(۱)، ۲۶-۵. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۲۶۹). لؤلؤة البحرين فی الإجازات و تراجم رجال الحديث. قم، مؤسسه آل البيت.

بروجردی، حسین طباطبایی (۱۴۱۶). البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر. قم، مکتب آیه الله العظمی المنتظری.

بیگ منشی، اسکندر (۱۳۱۴). عالم آرای عباسی. تهران، دارالطباعه آفاسیدمرتضی. پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۷). شاه اسماعیل اول. ایران، شرکت سهامی انتشار. پیمان، محمدجواد (۱۳۷۲). محقق ثانی، مقتدای شیعه. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی. جعفریان، رسول (۱۳۹۸). صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. جعفریان، رسول (۱۴۲۳). دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه. قم، انصاریان. هرندي، محمدجعفر (۱۳۶۸). شرح حال و شخصیت فقهی محقق کرکی (پایان نامه دکتری)، دانشگاه تهران.

جهانبخش، ثواقب (۱۳۹۵). اقدامات فرهنگی شاه تهماسب اول در نهادینه سازی تشیع در جامعه. شیعه شناسی، ۱۴(۵۴)، ۳۱-۶۲.

حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی محقق کرکی. قم، بوستان کتاب. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. قم، دفتر انتشارات اسلامی. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم، دفتر انتشارات اسلامی.

حلی، حسین (۱۳۷۶). شهرسازی و احداث خیابان ها از سوی دولت. قم، فقه اهل بیت. خوانساری، محمدباقر موسوی اصفهانی (۱۴۲۵). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، بیروت، دارالاحیاء التراث.

- واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی - سیدسجاد ایزدهی (۱۸۶-۱۶۲) / ۱۸۵
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۷۷). دائرة المعارف بزرگ اسلامی. سیدکاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- ربانی، ابوالحسن صالح آبادی (۱۳۷۹). تبلور ایمان؛ محمدبن اسماعیل بن بزيع. فرهنگ کوثر، ۳۹، آبان.
- رودگر، قنبرعلی (۱۳۹۰). شاهان صفوی و موسیقی. تاریخ و تمدن اسلامی، ۷ (۱۴)، ۷۷-۹۶.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). احسن التواریخ. (عبدالحسین نوایی، مصحح) تهران، بابک.
- سام میرزا، صفوی (۱۳۸۴). تذکره تحفه سامی. تهران، علمی.
- سالار، حمزة بن عبد العزيز دیلمی (۱۴۰۴). المراسم العلویة و الأحکام النبویة فی الفقه الإمامی. (محمود بستانی، مصحح). قم، منشورات الحرمین.
- سیدرضی، محمد بن حسین موسوی (۱۴۱۴). نهج البلاغة. (عزیر الله عطاردی، مترجم). قم، مؤسسه نهج البلاغه.
- سیدمرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵). رسائل الشریف. قم، دارالقرآن الکریم.
- سیوری، راجر (۱۳۷۸). ایران عصر صفوی (کامبیزعزیزی، مترجم). تهران، مرکز.
- شکری، احمد (۱۳۹۴). نظام سیاسی در اندیشه محقق کرکی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی.
- صداقت، قاسم علی (۱۳۸۴). روحانیت و تعامل با حکومت در حقوق اساسی عصر صفویه. معرفت، ۱۴ (۹۳)، ۸۱-۹۲.
- صداقتی، نیره (۱۳۹۱). نقش علمای شیعه در حکومت صفویه به‌ویژه شاه عباس اول (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی.
- صلواتی، محمود (۱۳۶۸). مبانی فقهی حکومت اسلامی. قم، کیهان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المیسوط فی فقه الإمامیة. تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت، دارالکتب العربی.
- طهماسب، صفوی (۱۳۴۳). تذکره شاه طهماسب صفوی. (کریم فیضیزبان، مصحح). تهران، مطبوعات دینی.
- عاملی، زین الدین (۱۳۹۰). کشف الریبة. نجف، دارالمرتضوی.
- عاملی، محمدبن مکی (۱۴۰۰). القواعد و الفوائد. (سیدعبدالهادی حکیم، مصحح). قم، مفید.
- عاملی، محمدبن مکی (۱۴۱۴). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد. (رضامختاری، مصحح). قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- عاملی، محمدبن مکی (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة. قم، دفترانتشارات اسلامی.

- عشائری، کامران (۱۳۹۴). مبانی مشروعیت سیاسی در اندیشه محقق ثانی (نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی متفکران مسلمان تهران. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- غلامحسینی، مصطفی (۱۳۷۷). علی بن یقطین، کارگزار حضرت کاظم علیه السلام. فرهنگ کوثر، ۲(۱۵)، ۸۶-۸۲.
- قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۳). فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه. مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۰۹). رسائل المحقق کرکی. (محمدحسون، مصحح). قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۳). رساله فاطمة اللجاج فی تحقیق حل الخراج. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم، مؤسسه آل البيت. مشحون، حسن (۱۳۸۰). تاریخ موسیقی ایران. تهران، نشر نو.
- مشکانی، عباسعلی (۱۳۹۲). فقه حکومتی؛ نرم افزار توسعه انقلاب اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۲)، ۹۷-۱۱۸.
- مشکوریان، محمدتقی (۱۳۸۷). محقق کرکی و دولت صفوی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). آشنایی با علوم اسلامی. تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). خدمات متقابل ایران و اسلام تهران. صدرا.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت، دار احیاء التراث.
- نجفی، موسی، و فقیه حقانی، موسی (۱۳۸۴). تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نرگسی، رمضان (۱۳۸۶). عوامل وفاق اجتماعی ایرانیان در تاریخ معاصر. تاریخ در آئینه پژوهش، ۱۳(۴)، ۸۷-۱۳۴.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران. شاه طهماسب، تهران، ارغوان.